

از آن جایی که مسایل جنبش کمونیستی، امر توده‌های کارگر و کمونیست‌ها است، من این نامه را به صورت نامه‌ی سرگشاده ارسال میکنم.

رفیق عزیز اشتفان انگل (Stefal Engel)

برگزاری موفق تظاهرات پائیزی^۱ (۱۶ اکتبر ۲۰۱۰) و ایجاد سازمان جهانی ایکور را به تو و همه‌ی کمونیست‌های جهان تبریک می‌گویم. گامی که در ایجاد ایکور^۲ برداشته شد، عظیم بود و موفقیت‌ها و مشکلات آینده از آن هم عظیم‌تر خواهند بود. من با این اعتماد عمیق که ما کمونیست‌ها مشکلات را حل خواهیم کرد و چه خود و چه نسل‌های آینده، جهان خالی از نژاد پرستی، فوندامنتالیسم، امپریالیسم، فاشیسم، ستم و استثمار را بنا خواهیم نمود، دستت را می‌فشارم. در این جا لازم نمی‌دانم به دستاوردهای احزاب کمونیست بسیاری از کشورها در شکل‌گیری ایکور، اشاره کنم. زیرا خورشید محتاج نشان دادن نیست. ولی لازم می‌دانم به دو ضعف اساسی اشاره کنم. با این درک که انتقاد، شمشیر برنده‌ی کمونیست‌ها علیه نفوذ بورژوازی در صفوف جنبش کمونیستی و کارگری است.

۱- ایکور و جنبش کارگری ایران

در نطق جشن ۱۶ اکتبر ۲۰۱۰ در برلن، چنین بیان کردی: «نباید اجازه داد که بار دیگر نیروهای انقلابی، خیزش‌های انقلابی و جنبش‌های قهرمانانه‌ی آزادیبخش در انزوای ملی، در کمبود همبستگی بین‌المللی و تحت ضد انقلاب بین‌المللی خفه شود.»

(Es darf nicht noch einmal passieren, dass revolutionäre Kräfte, revolutionäre Aufstände und heldenhafte Befreiungsbewegungen an ihrer nationalen Isoliertheit, an der mangelnden internationalen Solidarität und an einer internationalen Konterrevolution erstickt werden können!)

ولی عمل شما دقیقاً در تقابل با این موضع‌گیری انقلابی بود. شما پرولتاریای ایران را که تحت سرکوب، ستم، گرسنگی، بیخانمانی و در محاصره‌ی اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک بورژوازی داخلی و بین‌المللی مبارزه می‌کند، تنها گذاشتید. برای اثبات موضع خود لازم می‌دانم قدری به اوضاع مشخص مبارزه‌ی طبقاتی در ایران اشاره کنم:

طبق آمار سال ۲۰۰۸ میلادی، از جمعیت ۷۳ میلیونی ایران، حدود ۲۴۶۷۷۶۶۹ میلیون نفر قادر به کار گزارش شده است که ۴۵٫۸٪ آن در خدمات اشتغال دارند. ۱۶۹۵۵۲۰۴ نفر از این نیروی کار در شهر مشغولند. اگر ۳۶۳۶۰۰۰ نفر کارکنان خرده بورژوازی را کنار بگذاریم، ۱۳۳۱۹۲۰۴ نفر کارگران شهری ایران را تشکیل میدهند. به بیان دیگر طبقه کارگر ایران نسبت به کلیه طبقات و اقشار جامعه از اکثریتی قابل ملاحظه برخوردار است. در عین حال نسبت به کل جمعیت ایران در اقلیت است. این دوگانگی، وظیفه دوگانه طبقه کارگر ۱- در صحنه بین‌المللی یعنی تکیه بر منافع جهانی این طبقه و ۲- وظیفه داخلی یعنی نمایندگی منافع جنبش در مجموع آن را به وجود می‌آورد. اگر خانواده‌ی کارگران ایران را نیز به حساب آوریم، طبقه کارگر ایران از هر

۱- Herbst Demonstration

۲- International Coordination of Revolutionary Parties and Organizations (ICOR)

لحاظ بزرگترین طبقه جامعه ایران را تشکیل میدهد.

طبقه کارگر ایران از یک جانب در مؤسسات عظیمی از نظر تولید سازماندهی شده است برای مثال در رشته حمل و نقل مؤسسات دولتی مثل راه آهن و... و یا در شرکت نفت: در ۱۹۷۶ تعداد کارگران شرکت نفت ۴۰۰۰۰ و در ۱۹۸۳ بالغ بر ۸۲۰۰۰ بوده است. این بخش از طبقه کارگر با وجود کنترل شدید دولت و ارگان‌های سرکوب در شرایط عادی، نقش آفرینان اصلی در غلیانهای شدید اجتماعی هستند. مثلاً اعتصاب دو ماهه کارگران شرکت نفت در ۱۹۷۹ عامل بزرگی در سرنگونی کامل رژیم پهلوی گردید.

و از جانب دیگر میلیون‌ها کارگر در هزاران کارگاه کوچک با ظرفیت ۱۰، ۲۰، الی ۳۰ کارکن، متشکل هستند. این کارگران به علت تجمع کوچک در کارگاه‌های کوچک، در مقابل نیروهای مسلح رژیم ضربه پذیرترند. علاوه بر آن، در ایران امروز نزدیک ۱۴۰۰۰۰۰ کودک کار وجود دارد که هیچ پوشش اجتماعی آنها را محافظت نمی‌کند. (ایلنا - ۱۶ مهر ماه)

کارگران امروزه ایران، کارگران بی سواد ۵۰ سال پیش نیستند. درصد بالایی از کارگران دیپلمه هستند و یا تا کلاس ۹ سواد دارند. از این رو سریع به مبارزات سیاسی و کسب دانش در آزمون‌های علمی و مبارزه‌ی طبقاتی رو می‌آورند.

سرمایه‌داری بسیار حریص و وحشی ایران در تطابق با سیاست بانک جهانی و تمرکز سرمایه در بالای هرم جهانی، در استثمار طبقه کارگر حتی آن بخش از مزد کارگر را که برای تأمین زندگی او لازم است، نمی‌پردازد. ماه‌ها حقوق آنها را به تعویق می‌اندازد و بدین وسیله آنها را مجبور به کار بردگی طولانی در کارگاه‌ها و کارخانجات مختلف مینماید.

از زمان خمینی، رفسنجانی در زمان ریاست جمهوری، موسوی در دوران نخست وزیری و کروی به عنوان رئیس مجلس شورای ملی بر سرکوب طبقه کارگر و انحلال سازمانهای آن (شوراها و سندیکاهای مستقل کارگری) پرداختند.

طبقه کارگر ایران پس از یک دوره کوتاه حاکمیت اصلاح طلبی بر مبارزاتش (دوره‌ی ریاست جمهوری خاتمی)، مجدداً به مبارزات سیاسی گسترده‌ای روی آورد. برگزاری روزهای اول ماه مه و روزهای کارگری بین‌المللی، پشتیبانی از مبارزات بخش‌های مختلف از یکدیگر، پشتیبانی از مبارزات زنان، دانشجویان و معلمان، پشتیبانی از مبارزات طبقه کارگر در کشورهای مختلف توسط بخش‌هایی از این طبقه، ناشی از رشد آگاهی این طبقه، ناشی از درک آن از اهمیت همبستگی جهانی طبقه کارگر و مبارزات عمومی مردم در آزادی خود است.

پیشروترین بخش طبقه کارگر ایران به این درک رسیده است که دموکراسی و رهائی از ستم، گرفتنی است نه دادنی. آنها با این درک، به مبارزه برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری رو آوردند، به برپائی روزهای اول ماه مه پرداختند و سعی کردند امکانات مالی ویژه‌ای را برای شرایط اسفناک بعد از اخراج کارگران فعال به وجود آورند. اکنون دو سندیکای مستقل کارگری در ایران وجود دارند: سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای هفت تپه. این سندیکاهای که مرتب مورد تهدید و اعضایش مورد سرکوب و شکنجه قرار می‌گیرند، مصمم هستند با اتکاء به نیروی خود در تمام زمینه‌ها به ویژه زمینه مالی، امور خود را سازمان دهند.

اکنون ده‌ها تن از پیشروان کارگری در زندان‌های رژیم سرمایه‌داری و مذهبی جمهوری اسلامی در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها هستند. صدها کارگر مبارز طی سالیان طولانی فقط به خاطر شرکت در مراسم اول ماه مه باید در زندان‌ها به سر ببرند. در ۵ سال گذشته هزاران کارگر صدها اعتصاب کارگری در ایران برگزار کردند. در همین

مدت ده‌ها اعلامیه در همبستگی با مبارزات اقشار مختلف مردم جهت دمکراسی و آزادی بیان و... از سوی تشکل‌های کارگری صادر شده است.

- طبقه کارگر ایران در سمت تبدیل به طبقه‌ای برای خود است.
- طبقه کارگر ایران در مبارزات سال‌های اخیر کم کم به این درک می‌رسد که بخشی از یک طبقه جهانی است
- مبارزه تحت رژیم فاشیستی - سرمایه‌داری و مذهبی جمهوری اسلامی، اراده‌ی این طبقه را در مبارزه با سرمایه‌داری راسختر نموده و بی‌هراس‌تر گردیده است.
- طبقه کارگر کم کم به این درک می‌رسد که رهایی او در رهایی کل جامعه نهفته است. و رهایی کل جامعه در رهایی بشریت از سرمایه‌داری

در ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۸ (۱۲ یونی ۲۰۰۹) در اثر وجود بحران‌های موجود در جامعه و درون دولت سرمایه‌داری، شکاف عمیق جناح‌های بورژوازی حاکم، که وحشیانه به حد نابودی هم پیش می‌رفتند، آشکار شد. مردمی که به مدت سی سال در خفقان و تحت سرکوب متمرکز قادر به اعتراض توده‌ای نبودند، از این موقعیت استفاده کرده و به صورت میلیونی به خیابان‌ها آمدند. جناح بازنده در کودتای انتخاباتی که ضربات سختی را دریافت کرده بود، با مظلوم‌نمایی دست به دامن مردم شد و پرچم سبز محمد (پیغمبر اسلام) را به اهتزاز درآورد. در روزهای اول مردم برای ماندن در خیابان و ادامه تظاهرات و اعتصاب، تحت همان پرچم سبز مبارزه را ادامه دادند. ولی این امر نمیتوانست مدت مدیدی دوام آورد. جناح موسوی، رفسنجانی و کروبی (باختگان در انتخابات) به سوی سازش با جناح برنده می‌رفتند تا در صورت حاکمیت مجدد، همانند گذشته به سرکوب خونین جنبش کارگری بپردازند ولی مردم به سوی سرنگونی کلیت رژیم سمت می‌یافتند. شعار «موسوی موسوی حمایت‌ات میکنیم» به شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «زنده باد جمهوری ایرانی»، «زنده باد جمهوری سبز ملی» و... تبدیل شد. در این لحظه تاریخی موسوی از سبزه‌های اطراف خودش خواست تا ساختار شکنان چپ را از صفوف خود طرد کنند.

در مرحله‌ی بعدی جنبش سبز به سه شاخه منشعب شد

۱- جنبش سبز تحت سرپرستی موسوی، با امکانات مالی نیمه دولتی و سازماندهندگان دولتی و همکاری سازمان‌های برادرشان در جنبش چپ ایران (حزب توده ایران و چریک‌های اکثریت که از بدو وجود استراتژی و سیاستشان محدود به سازش با جناح‌هایی از قدرت سیاسی بوده است). این بخش از جنبش سبز به علت امکانات مالی و پشتیبانی بورژوازی اروپا در خارج از کشور بسیار فعال می‌باشد. خانم مرکل و آقای اوباما و... از پشتیبانان این جنبش هستند.

۲- جنبش سبز با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی. این بخش اساساً در خارج از کشور فعالیت نیمه زنده‌ای دارند.

۳- سبزهایی که سازماندهی نشده، طرفدار موسوی نیستند و در عین حال خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی نیز نبوده‌اند. این بخش را جوانانی تشکیل میداده‌اند که در اول خیزش این جنبش با احساسات زودگذر، مایل بودند به مردم ایران خدمتی کرده باشند. این بخش با سرعت در حال تحلیل و پراکندگی است.

موسوی در بیانیه‌ای به مناسبت تظاهرات مردم در روز قدس، روز دفاع از جنبش فلسطین در ایران، چنین مینویسد: «ما خواستار اجرای بدون تنازل قانون اساسی و بازگشت جمهوری اسلامی به اصالت اخلاقی نخستین‌اش هستیم. ما جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد را میخواهیم؛ و آنانی را ساختار

شکن و هرج و مرج طلب می‌شناسیم که به بهانه و بی بهانه از موازین اسلامی عدول می‌کنند و بنا بر امیال شخصی به تعطیل اصول قانون اساسی دست می‌زنند.»

این محتوای جنبش سبز متشکل توسط جناح توسری خورده‌ی حاکم در ایران است. علامت این جنبش پرچم سبز محمدی است که به پرچم بخشی از بورژوازی حاکم در ایران و سمبل پشتیبانی کل بورژوازی جهانی از این بخش از بورژوازی ایرانی تبدیل گردیده است.

با وجود این که افرادی از طبقه کارگر ایران در این جنبش شرکت داشتند ولی طبقه کارگر ایران حضور نداشت. به علت شرایط فاشیستی حاکم بر ایران که توسط هر دو جناح (برنده و بازنده) اعمال می‌شود، پرچم سرخ کارگران نیز امکان برافراشتن نداشت. بورژوازی بین‌المللی سعی دارد، جنبش اقشار و طبقات مختلف مردم به ویژه جنبش کارگری ایران را به زیر این ایدئولوژی فاسد بکشاند و کل این جنبش را با رنگ سبز ملوث کند.

حال سؤال من از تو، رفیق انگل این است: با وجود این که تو و حزب تو از شرایط مشخص جامعه‌ی ایران با خبر بودید. با وجود این که حزب رنجبران ایران و حزب کمونیست ایران اطلاعات دقیقی را به حزب تو (MLPD) داده بودند، چرا زمانی که عکس‌هایی از مبارزات کارگران کشورهای مختلف در جشن روز دوشنبه‌ها در برلن نشان داده شد، در بخش ایران، فقط عکس یک زن بورژوا با روسری سبز و دو انگشت ظریف که دو نوار سبز «زیبا» به آنها بسته شده بود و این عکس از دید کمونیست‌ها و طبقه کارگر سمبل شناخته شده‌ی یک جریان بورژوا ارتجاعی بیشتر نیست را، روی صحنه آوردید؟ من اطلاع دقیق دارم که حزب تو عکس‌ها و مقالات بسیاری از جنبش کارگری و عمومی مردم ما در اختیار دارد. چرا از بین تمام عکس‌های جنبش کارگری عکس زیبا و ظریف آن زن بورژوای سبز پرچم باید سمبل مبارزات مردم و کارگران ایران جا زده شود. این تضاد گفتار و عمل تو را چگونه باید حل کرد. چه منافعی باعث شد که در این مورد مشخص با آقای اوباما، خانم مرکل، آقای سارکوزی و یوشکا فیشر هم موضع شوی. اگر مدعی شوی که از اطلاعاتی که حزب رنجبران و حزب کمونیست ایران به حزب تو داده‌اند مطلع نبودی و دیگران چنین کاری کرده‌اند، باید بگویم انتقاد به تو شدیدتر خواهد بود. زیرا در زیر دماغت، در حزب مارکسیست لنینیستی‌ات بورژوازی خط خود را جلو میبرد و تو را آچمز می‌کند. آیا میدانی چه کسانی نماینده‌ی ایده‌ئولوژی سبز در حزب‌ات هستند؟ آیا آنها را می‌شناسی؟

۲- ایکور و دمکراسی داخلی

در جشن مرکزی تظاهرات دوشنبه‌ها و اعلام برگزاری اولین کنفرانس اعضای ایکور در آن، پس از آن که تو صحبت بسیار رزمنده، عمیق و همه جانبه‌ات را تمام کردی، معاون تو در ایکور، به ذکر نام سازمان‌هایی که از کشورهای مختلف در اولین کنفرانس ایکور شرکت داشتند پرداخت و نمایندگان این سازمان‌ها و یا احزاب، با یک پرچم و اسم حزب‌شان روی صحنه می‌آمدند و کنار هم می‌ایستادند؛ صحنه‌ای تاریخی، بدیع و بسیار بسیج کننده. از ایران، اسم حزب رنجبران ایران خوانده شد و نماینده‌ی این حزب روی صحنه آمد. ولی نام حزب کمونیست ایران به عنوان حزبی که نماینده‌اش در این کنفرانس حضور داشت خوانده نشد و در نتیجه نماینده‌ی این حزب به روی صحنه نیامد.

چند دقیقه قبل از آن، تو در نطقات چنین گفته بودی: «وحدت نیروهای انقلابی در تمام جهان - همچنین برای مبارزه طبقاتی در هر کشوری - یک ضرورت عینی است.»

(Die Vereinigung des revolutionären Potentials auf der ganzen Welt ist eine objektive Notwendigkeit - auch für den Klassenkampf in den einzelnen Ländern)

آیا وحدت نیروهای انقلابی در تمام جهان با اجرای بدون تزلزل دموکراسی درونی، حقوق مساوی و محدودیت‌های مساوی قابل اجراست یا با کشیدن یکی به بالا و زدن دیگری در داخل ایکور؟ نماینده‌ی حزب کمونیست ایران پیش از اجلاس کنفرانس ایکور و بعد از آن به حزب تو عکس‌ها و مدارک بسیاری ارایه داد، در کنفرانس نیز شرکت کرد. در ورود به محل جشن تظاهرات دوشنبه‌ها مسئول MLPD در این مورد نزد او آمد تا مطمئن شود که نماینده حزب کمونیست ایران در سالن حضور دارد. یک CD به او داد و عملاً او را برای آمدن روی صحنه دعوت کرد. ولی نام حزب او خوانده نشد.

حزب رنجبران ایران یکی از احزاب رادیکال جنبش کمونیستی ایران و قدیمی‌ترین آنهاست. حزب کمونیست ایران نیز یکی از احزاب رادیکال جنبش کمونیستی ایران، بزرگترین و پرنفوذترین آنهاست.

من با بعضی از نقطه نظرات حزب کمونیست ایران و بعضی سبک کارهای حزب رنجبران ایران مخالفم ولی این امر هیچ دلیلی نمیتواند باشد که من از حقوق دمکراتیک اعضای ایکور دفاع نکنم. رفیق عزیز، آیا با تصمیم تو حزب کمونیست ایران از لیست آمدگان روی صحنه حذف شد؟ در این صورت در اولین قدم، حقوق دمکراتیک اعضای ایکور توسط تو پامال شده است. اگر کسانی بدون اطلاع تو چنین تصمیم ضد دمکراتیکی را گرفته‌اند، آنوقت باید به موذی بودن مبارزه‌ی طبقاتی بورژوازی در احزاب بیشتر توجه کنی. بورژوازی و ایدئولوژی او استراحت نمی‌شناسد، بدون توقف در حال حمله است. آیا ما کمونیست‌ها به این امر هوشیاری لازم را نشان میدهیم؟ امیدوارم چنین باشد!

صمیمانه برای تو، MLPD و کلیه‌ی سازمان‌های عضو ایکور موفقیت و انسجام بیشتری آرزو دارم

یک کمونیست ایرانی

گرگین

25.10.2010